

دوازدهم فوریه ماه فرانسه ۱۸۷۷
 قیمت بکطنبره بکعبایه
 قیمت اعلان سطری ده شاهی
 ادایه چهار سط



دوشنبه بیست و هشتم محرم الحرام ۱۲۹۴ هجری
 هر کس اخبار و تحقیق علی بدار الطبائیه
 مایونے بفرستد دین روزنامه باسم خود
 او نوشته میشود

روزنامه تجلی

اخبار حافظ الصخره

در روز ناخبات قبل اظهار شد که مجلس حافظ
 الصخره در کلی و جزئی امور متعلقه بحفظ
 صحت نفوس محترم اهتمام تام داد و از جمله
 برای معرفت و شناساندن ادویه فرنگی و
 غیره و عدم سهو و اشتباه و ظهور و رسوائی
 که موجب هلاکت اشخاص باخداوندت صد
 مزاجی عموم ناس باشد جمعی از عطاران با
 بصیرت و انتخاب نموده ایشانرا اجازه فروش
 هر قسم دوا داده است و سایرین را ازین
 معامله منع کرده و ممنوع داشته است بنا
 برین بجهت اطلاع و شناساندن مردم عطاران
 با اذن و اجازه و درین روزنامه علمی
 انسانی ایشانرا مینگاریم تا هر کس خواهان و
 باشد از اشخاص مرقومه در ذیل ایتباع کند
 که در عیب و نقض و ضالی از شبهه و ریب است
 و نیز اشخاص غیر مجاز نتوانند بتغلیط خود را
 داخل نموده مداخله در فروش ادویه نمایند
 و انسانی عطاران مجاز از قرار ذیل است
 حاجی محمد جعفر ربش سفید گل

محلّه بازار

از جنابان شمس الغارّه الی در باب اعترافه
 سفید اسمعیل
 (میرزا نصرالله کدخدای ابراهیم و فرنگی)

(کربلائے محمد کریم دوائی ابراهیم و فرنگی)
 (کربلائے یوسف دوائی ابراهیم) (کربلائے محمد
 حسین دوائی ابراهیم) (کربلائے جعفر قلی
 دوائی ابراهیم) (حاجی سید در ب مسجد جامع
 دوائی ابراهیم) (اقا سید کاظم دوائی ابراهیم)
 (اقا محمد ابراهیم دوائی ابراهیم)
 از دکان حاجی محمد قاسم عطار الی کوچه غربیان
 (حاجی محمد قاسم کدخدای ابراهیم) (اقا
 محمد علی دوائی ابراهیم و فرنگی) (شیخ حسن
 دوائی ابراهیم و فرنگی) (حاجی محمد اسمعیل
 دوائی ابراهیم) (حاجی اقا دوائی ابراهیم) (ملا
 محمد دوائی ابراهیم) (کربلائے محمد دوائی ابراهیم)
 (ملا علی اکبر دوائی ابراهیم) (کربلائے محمد حسین
 دوائی ابراهیم) (کربلائے محمد ابراهیم دوائی
 ابراهیم) (کربلائے محمد حسین دوائی ابراهیم)
 (اقا شیخ حسین دوائی ابراهیم) (اقا رضا قلی
 دوائی ابراهیم) (اقا محمد جواد دوائی ابراهیم)
 (کربلائے محمد علی دوائی ابراهیم) (مشهد علی
 دوائی ابراهیم) (کربلائے محمد کریم دوائی ابراهیم)
 (ملا حسین دوائی ابراهیم)

محلّه سنگلج

از دربخانه مجدالدوله الی کاروانسرای ابراهیم سید
 (حاجی میرزا محمود کدخدای ابراهیم و فرنگی و
 دوائی ترکیب) (کربلائے محمد رحیم دوائی ابراهیم)

(شیخ حسن دوائی ابراهیم) (اقا غلامحسین
 دوائی ابراهیم) (کربلائے محمد دوائی ابراهیم)
 (اقا علی اصغر دوائی ابراهیم) (اقا محمد هادی
 دوائی ابراهیم) (کربلائے حسین دوائی ابراهیم)
 (ملا حسین دوائی ابراهیم)
 از دربخانه مجدالدوله الی سبزی میدان
 (میرزا علی اکبر کدخدای ابراهیم و فرنگی)
 (اقا محمد علی دوائی ابراهیم) (حاجی اسد
 دوائی ابراهیم) (اقا عزیز الله دوائی ابراهیم)
 (اقا احمد قلی دوائی ابراهیم) (کربلائے اسماعیل
 دوائی ابراهیم) (عمو علی دوائی ابراهیم)
 (ملا قاسم دوائی ابراهیم) (اقا غلامحسین
 دوائی ابراهیم) (اقا سید حسن دوائی ابراهیم)
 (اقا شیخ باقر دوائی ابراهیم)
 محلّه بیرون دروازه دولت و شمیران دارک مبلک
 (حاجی ماشاء الله کدخدای ابراهیم)
 (اقا عبدالکبیر دوائی ابراهیم) (اقا سید
 مهتد دوائی ابراهیم) (اقا محمد محمد دوائی ابراهیم)
 محلّه چالمبدان
 (ملا عباس علی کدخدای ابراهیم) (اقا محمد
 رضا دوائی ابراهیم و فرنگی و مرکب) (اقا غلامرضا
 دوائی ابراهیم و فرنگی) (حاجی سید مراد دوائی
 ابراهیم) (اقا محمد علی دوائی ابراهیم) (اقا
 محمد حسن دوائی ابراهیم) (مشهدی ابراهیم)

دوای ابرانی (اقا علی دوای ابرانی)
 (شهدی اسدالله دوای ابرانی) (حسن خان)
 دوای ابرانی (کر بلائی محمد علی دوای ابرانی)
 (میرزا ابراهیم که خدا دوای ابرانی) (حاجی)
 ملا اسمعیل دوای ابرانی (اقا سید اقا بزرگ)
 دوای ابرانی (اقا علی اکبر دوای ابرانی)
 (شیخ محمود دوای ابرانی) (مشهد محمود)
 دوای ابرانی (ملا عبد الله دوای ابرانی)
 (اقا محمد حسن دوای ابرانی) (اقا محمد جعفر)
 قتی دوای ابرانی (ملا حسن دوای ابرانی)
 (مشهد محمد دوای ابرانی) (اقا محمد حسن)
 دوای ابرانی (ملا شفیع دوای ابرانی)
 (ملا شعبان علی دوای ابرانی) (اقا سید احمد)
 دوای ابرانی (اقا علی اکبر دوای ابرانی)
 محله عود لاجان
 از دروازه شمیران الی بازار حدادها
 (حاجی شاه محمد که خدا دوای ابرانی) (اقا محمد)
 جعفر دوای ابرانی و فرنیکی و مرکب (اقا سید)
 علی دوای ابرانی فرنیکی (اقا محمد مهدی دوای ابرانی)
 (مشهد محمد مهدی دوای ابرانی) (کر بلائی)
 محمد حسین دوای ابرانی (اقا محمد کریم)
 دوای ابرانی (مشهد محمد دوای ابرانی)
 (حاجی محمد ابراهیم دوای ابرانی) (اقا محمد علی)
 دوای ابرانی (اقا محمد ابراهیم دوای ابرانی)
 (اقا علی اکبر دوای ابرانی) (میرزا احمد دوای ابرانی)
 (عطار محمودی در محله محمودی و نفر)
 دوای ابرانی ()
 از در خانه جناب میر الملک الی دروازه حضرت

عبد العظیم علیه السلام
 (حاجی محمد ابراهیم که خدا دوای ابرانی) (اقا)
 محمد باقر دوای ابرانی (میرزا الطیف الله مدنی)
 ابرانی (حاجی اقا محمد دوای ابرانی) (خلجی)
 محمد مهدی دوای ابرانی (حاجی میرزا رفیع)
 دوای ابرانی (کر بلائی محمد جعفر دوای ابرانی)
 ابرانی (مشهد علی اکبر دوای ابرانی) (خان)
 اقا دوای ابرانی (حاجی فتح الله دوای ابرانی)
 (اقا محمد اسمعیل دوای ابرانی) (کر بلائی جیب)
 علی دوای ابرانی (کر بلائی حسن خان دوای ابرانی)
 (اقا محمد مهدی دوای ابرانی)
 (اقا محمد علی دوای ابرانی)
 محله عرب ها
 (کر بلائی یوسف که خدا دوای ابرانی) (اقا)
 سید عبد الوهاب دوای ابرانی (اقا محمد)
 جعفر دوای ابرانی
 محله بیرون دروازه شاهزاده عبد العظیم و
 بیرون دروازه محمدیه
 (اقا میرزا نصر الله که خدا دوای ابرانی) (کر بلائی)
 اقا بزرگ دوای ابرانی (کر بلائی حسین)
 دوای ابرانی (اقا سید ابوالقاسم دوای ابرانی)
 ابرانی (اقا محمد رضا دوای ابرانی)
 بقیة الحسنة لعبد الملک الاطباء
 در امراض حلق و لسان و امثال آن
 این اوقات اغلب که مشاهده نمودم امراض حلق
 که بروز نمود فوراً تقریبات غریبه بکسر نمایند
 اصلاح مزاجی و دستور العمل میدهم و عمل
 زخم را رجوع بجمیع مینمایم نباید مغرور شد
 که بغیر غره و بعضی نفوخت زخم اصلاح میشود

بلکه زیاد تر خواهد شد چنانکه منجر با کله
 میشود و بجهت وجه اصلاح نخواهد شد
 پس لازم است عموم اطباء رجوع بجمیع کنند
 و از نهمی غفلت ننمایند
 (تذکیله و فایده) در خناق صعب اصلاح
 مزاجی واضح است طبای حاذق عالم اند جمیع
 نکات معالجات بعضی تلا بر از اقسام علاج
 محض تذکره بجهت متوسطین در علم و عمل در
 این روزنامه علمیه انتشار میدهد که اطبا
 در صورت ضرورت عمل نمایند
 گذاشتن مجر بین کفین و دویم از خمرات
 عنق و تحت بند پین و بستن ماز و ها غفلت
 نکنند فصدت تقابقی در صورت درم زبانه
 بعد از فصد تیغ زدن سطح زبان در صورت
 محل ورم نضج یافته باشد فتق با صبع و از
 نفوخت و لطوخت محلی که لازم است
 بعمل نیارند
 بعضی از اقسام خناق است که ضادات خا
 بر بیرون حلق لازم است بگذارند از عالم
 اغذیه و اشربه غذا بشود و دانسته خاصه که
 خلط دم و صفر باشد با هر دو دادن ماء
 الشبیر دقیق لازم است آب دهند و از آب
 شیرین و در بعضی اطفال سه چهار ساله دادن
 شیره خربا پستان بد و شند با با پنبه بچکانند
 در صورتی که بت نباشد نان خشک که در
 آب بخیسانند و آب از اینجهت حفظ قوت و
 بعد پیر و انتعاش حرارت غیر نیز بد دهند این
 در صورتی که ورم شدید باشد و مجرای
 حلق مسدود شود طبیب حاذق عالم عامل

میدانند که درین امراض عالجات و تدابیر الی
 غیر نصابه میباشد و بمقتضای زمان و مس
 حاجت هر یک را بعمل خواهد آورد
 (مجموعه حجامت) (کف شامه) (خرزات
 مهرها) (عنق کردن) (تدی پستان)
 (نق باصبع بانگشت پاره کردن) (نق
 دواهای خشک که در بینی منند) (لطوختا
 دواهایی که با آب خالص یا آب خودش عضو
 مانند) (مس حاجت یعنی ظهور و وجود
 حاجت) (حرارت غریزی یعنی ذات و طبع
 واصل) (فصد تفاروق یعنی چند دفعه
صِحْبُ سَائِلِ طَبِيعِي وَ هَيْئَتُ
 ترجمه میرزا کاظم معکم علم طبع و شی
 کاظم دیر و زوقی که در آن وه پائین کوه
 بودیم از اینجا این تل را که اکنون در روی
 ان ابتداء ایم مشاهده میکردیم و چنان
 بنظر ما میآمد که این تل آخر دنیا است و بعد
 ازین تل غیر از آسمان چیزی نمیدیدیم اما امر
 که بالای این تل نشسته ایم مبلینیم که در اطراف
 مزرعه ها و چمنها و زمینهاست مثل اینکه از
 ده میدیدیم و اگر بازمیل کنند ازین مزرعه ها
 و زمینها که اکنون میبینند و بد که بعد از آنها
 جائی نیست عبور کنند باز خواهد دید که
 در اطراف مزرعه ها و چمنها و زمینهای تازه
 دیده میشوند مثل اینکه از همین جا مبلینیم
 همین قسم هر وقت در وسط صحرا ایستادیم
 گمان میکردیم که زمین قطعه مدور است از آنجا
 دایره و شخص نگاه کنند در وسط این قطعه
 مدور که احران را افق مینامند خادار و کوه

قد راه طی کنیم هرگز باین افق نمیرسیم و کوهها
 هر قدر بخواهیم بواسطه طی مسافت بآن نزدیک
 شویم ان از ما دوری میشود ولی نه آنستکه
 دور شود بلکه جای خود را تغییر میدهد اگر
 میل داشته باشد فرسوار میشود و میریم
 بالای این کوه که حالا انتهای نقطه افق میباشد
 وقتی اینجا رسیدیم خواهیم دید که افق تازه
 خواهیم داشت که ان نیز مدور است
 احمد پس معلوم میشود که همیشه هر کس در
 اطراف خود یک افق کردی دارد
 کاظم وقتیکه شخص در نزدیکی خود دیواری یا
 خانه یا درختهای چندی با کوهی داشته باشد
 بدی است که ان دیوار یا ان خانه یا ان درختها
 با ان کوه جلو چشم را بپوشد و نمیکند از افق را
 که در عقب است بر بیند مثل اینکه یک پرده
 مانع است که عقب پرده را بر بیند اما در وسط
 صحرا که هیچ مانعی از برای بدن نیست همیشه افق
 کردی بنظر میآید و از آنجا که شخص نظر میکند
 زمین هر قدر بلند تر باشد افق بزرگتر خواهد
 بود مثلا هر وقت در جلگه باشند وسعت زیاد
 در اطراف خود نمیبینند و اگر تا وسط کوه بالا
 روند افق بزرگتر میشود و اگر تا بالای قله کوه
 برسند باز افق بزرگتر میشود ولی در هر حال
 که راست چنانکه بدن شکل میتوان دید



احمد اما جان مطلب شمارا درست نمی فهمم
 کاظم وقتیکه بدان زمین کروی یعنی گرد است
 خواهی با آن ایستاد
 محمود با تعجب میپرد مگر زمین گرد است
 کاظم بلی مثل یک کلوله و یک کوزه که بازی میکنند
 میباشد
 محمود اگر چنین باشد کوهها و دره ها نمیکند
 زمین درست گرد باشد و اگر مانند کلوله هم
 باشد پست و بلندی بسیار زیاد
 کاظم زمین نسبت بکوهها بقدری بزرگ است
 که کوهها و دره ها چندان برآمدگی و کوهال
 در سطح زمین احداث نمیکند و انرا از کوه
 بودن خارج نمینماید مثل اینکه چمنها و دانه ها
 و پست نارنج نارنج را از کردی مینماید
 احمد چه طور فهمیدند زمین کروی است
 کاظم اول بواسطه مدور بودن افق حدی
 زده اند که زمین هم مدور است ما مثل
 مورچه کوچکی هستیم که در روی نارنج بسیار
 بزرگی حرکت کند و چون مورچه زیاد کوچک
 در یک نظر جز یک قطعه کوچکی از نارنج نمیبیند
 و ان پارچه کوچکی را که مورچه میبیند همیشه
 گرد است و در هنگام حرکت مورچه افق ان همیشه
 تغییر میکند و هر چه راه میرود پارچه تازه از
 نارنج میبیند ولی همیشه انجری که بنظر او
 میاید گرد است بسبب اینکه خود نارنج گرد است
 و همچنین مورچه میتواند بدور نارنج گردش
 کند و باز معاودت کند بنقطه اولی که از آنجا
 برآه افتاده مانیز نسبت بکوه زمین بقدری
 هستیم که در یک نظر جز یک قطعه کوچکی از ان

میتوانیم دید و آن قطعه دیده شده مدور است
 بسبب مدور بودن خود زمین ازین بابت
 میتوانیم متصل در روی زمین حرکت کنیم
 آن زوایا چنانکه بسیاری از ستارگان در روی
 زمین گردش کردند و باز رسیدند به همان نقطه
 که از آنجا حرکت کردند و بعضی ملاحظاتی دیگر هست
 که اگر تا بل کند هم دلیل بر کروی بودن زمین میباشد
 بقیه در نمره آینه

اطلاعات جغرافیایی

اصطلاحات متعلق به آنها و دریاها
 دریا عبارتست از فضای وسیعی که مملو از آب
 شود باشد
 خلیج قطعه ایست از دریا که داخل در زمین
 شده باشد

بندر طبیعی جای محفوظی است از دریا که گشته
 در آنجا بطور اطمینان توقف نماید
 بندر مصنوعی موضعی است از دریا که محض
 ابتدارن کشتی باطمینان و خاطر جمعی ساخته اند
 بقا از قطعه تنگی است از دریا که مابین دو جزیره
 واقع شده باشد

غده عبارت از آبهای شیرین زیادی است که
 در یک موضع از خاک جمع شده باشد
 رودخانه آب جاریست که بدریا میریزد
 نهر آب جاریست که برودخانه یا نهر دیگر میریزد
 تقسیم آنها و دریاها

دو با هم مانند زمین به بیخ قسمت تقسیم شده
 دریاها را اندان تنگ که مابین اروپا و افریقا
 از جانب مشرق و میان اروپا و امریکاست از
 جانب مغرب
 دریای بزرگ که میان امریکا و آسیا واقع است

در بای هند که در جانب جنوب آسیاست
 دریای منجمد شمال که در جهت قطب شمالی است
 دریای منجمد جنوب که در جانب قطب جنوبی است
 انسانی جمیع دول مالک که در بیخ قطعه روی
 زمین میباشد ازین قرار است
 انسانی دول که در قطعه اروپاست

(انگلیس) (دانمارک) (سوئد و نروژ)
 (روس) (فرانس) (بلژیک) (هلند)
 (المان) (پروس) (اطریش) (اسپانیا)
 (پرتوگال) (ایتالیا) (ترکی)
 (پرنسپوت دنورین) (گرس) (جزایر
 یونان) بقیه در نمره آینه

متعلق باخلاق

هر کس خود را صلیح و کردار و کفایت خود را
 و صحیح پندارد اما برای صحت و سقم و
 کمی و فزونی کار معیار و میزان است و در
 نفس الامر که اعمال و افعال را در آن سنجند و
 در وجه و عبارات را نمانند و آن معیار و میزان
 حدیست که حکمای دانشمند و عقلای ارجمند
 برای هر کار قرار داده اند مثلا دروغ گفتن با نفاق
 جمیع اعم مذموم است و صدق گفتار مدوح و
 گفته اند دروغ مصلحت امیزه از راستیست
 انگیز است پس وقتی گفتار با وجود راستی دروغ
 مذمت است دروغ با آنکه خلاف و غیر مطابق
 با واقع میباشد موجب تحسین و موثر منفعت
 ترحم خوبست اما بقول مشهور نه بر پلنگ تیز دندان
 که بلای مردمان است و هلاک کوسفندان پر
 عاقل است که گفتار فیلسوفان و خردمندان را
 سرمشق و میزان سکون و حرکت خود نماید

تا فایز بخیر و برکت و آنکه خود را پسندد
 در فو و فلاح و دستکاری و جناح بر روی
 خود بندد و هر که از خود بینی گذشت و پیر
 عز و رفعت نکشت شک نیست که از بد
 کشت یعنی صفات ذمیه اش بمکارم اخلاقی
 بدل کرد بد و هر کس که باشد چنانکه باید شاید
 بدین رتبه عالی و مرتبه بلند تا بل نیاید مگر
 بجد و اجتهاد و مداومت و استقامت زیاد
 وثبات رای و بقای عزم و حکما گفته اند
 شاهد ثمره شجره مجاهدت است (محمد کن
 تا بمقامی برسی) (شاهد کردی و بنگای برسی
 بقیه در نمره آینه

اعلام

اعلام نامشروع و متعلق بعلم از هر کس
 باشد چنانچه نا طبع میشود
 اعلام فضیلا و اهل علم میتوانند در مقام
 بگذرند که درین روز نامه نگاشته میشود
 بنویسند و صاحب اخبار نیز در برده میشود
 نوشتن و با مال محاکمه یا مجلس حافظه القصه است
 که مجمع فضیلا بزرگ میباشد و هر چه
 مجلس امضا نمود باز نگاشته میشود
 اعلام بعضی از مطالعه کنندگان روزنامه
 علیه خواهش نموده اند که هر یک از فضلا
 بزرگوار اخباری برای روزنامه علمی
 بنویسند قسمی بنویسند که عوام هم از آن
 فایز برند و الا خواص اغلب خود را
 و عالم باین مطالب هستند
 اعلام چون اخبار این روزنامه زیاد بود
 تاریخ حزه در نمره آینه نوشته خواهد شد
 محمد حسن